

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۴

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال دوم

- ۶ • **داوری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی**
سید جمال سیفی
- ۲۰ • **جنبه های حقوقی برنامه عمل مشترک ژنو میان ایران و گروه ۵+۱**
نادر ساعد
- ۳۹ • **چالش های فراروی نقض موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت**
مجتبی مرّوت
- ۷۱ • **نگرشی بر مفاهیم عدالت و عدالت گرایی از دیدگاه مبانی الزام حقوق بین الملل**
اکبر ادیبی
- ۱۲۵ • **ارزیابی نقض حقوق بشر در بحرین بر اساس هنجارهای حقوق بین الملل بشر**
مهرداد محمدی
- ۱۶۲ • **تبیین مفهوم صدور و انتقال آلودگی در حقوق بین الملل**
سید هادی پژومان
- ۱۹۸ • **بررسی تطبیقی مسؤولیت متصدی حمل و نقل در قبال خسارت به کالا**
مهرآسا محبی
- ۲۱۷ • **معرفی کتابخانه برخط (آنلاین) پژوهشکده حقوقی شهر دانش**
الهام السادات الوانکار





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32713.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۴، نیمسال دوم ۱۳۹۲
صفحات ۲۰ الی ۳۸، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵

جنبه‌های حقوقی برنامه عمل مشترک ژنو میان ایران و گروه ۵+۱

نادر ساعد*

چکیده: برنامه عمل مشترک ژنو (توافقنامه هسته‌ای ژنو) میان ایران و گروه ۵+۱، هرچند سندی سیاسی بین‌المللی است اما به دلیل نوع پردازش حقوق و تعهدات ناشی از آن، پی.تی. و همچنین ارتباط با قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه اجرایی‌سازی زمینه‌های اجرای تعدیلی قطعنامه ۱۹۲۹ و نهایتاً تبلور اراده هفت دولت و پشتیبانی گسترده در سطح جامعه بین‌المللی دولت‌ها، نمادی از رویه بین‌المللی از نوعی است که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به آن پرداخته شده است. بنابراین، جنبه‌های حقوقی این توافق و متن توافقنامه نیازمند واکاوی است و در این نوشتار، به برخی از ابعاد آن به صورت مختصر اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: توافقنامه ژنو، ایران، گروه ۵+۱، حق غنی‌سازی، تعلیق غنی‌سازی، تحریم، ان.پی.تی.

مقدمه

توافقنامه ژنو در محافل تحلیلی کشور بیش از آنکه پدیده‌ای حقوقی به نظر آید یا اساساً نیازمند واکاوی حقوقی تلقی شود، کانون ارزیابی‌ها و تحلیل‌های معطوف به مسائل سیاسی است که اساس دیپلماسی هسته‌ای جدید یا این دستاورد خاص آن را مورد تمرکز و سنجش قرار داده‌اند. از این رو، لازم است در عین درک مناسبت‌های

* دکترای حقوق بین‌الملل، مدیر دپارتمان دانشجویان دانشگاہیان مجمع جهانی صلح اسلامی

Email: sa2002nad@yahoo.com

دوسویه و متقابل میان حقوق و سیاست، توجه داشته باشیم که اولاً تحلیل حقوقی نیازمند مبانی، منابع و متدولوژی مستقل است و تقارن برخی نتایج یا احکام آن با خواسته‌ها و ادراکات سیاسی، به معنای یکسانی آن‌ها نخواهد بود. ثانیاً در جهان نامتحد و محیط جدال‌های متکثر و نامتقارن، خیر و صلاح کشور همواره از منطق حقوق آن هم حقوق بین‌الملل حاصل نمی‌شود.

از این رو، ممکن است آنچه از منظر حقوق ناصواب به نظر می‌آید، از جنبه سیاست یا امنیت، در میان گزینه‌های مقدم رفتار در محیط بین‌المللی باشد. ادراک این مقوله پیچیده که چه زمان حقوق همچنان منزلت و استواری خود را حفظ نموده و در خط مقدم تعیین سیاست‌ها و رویه‌های دولت باقی می‌ماند، امری دشوار و نیازمند مطالعه موردی است. با این حال، همواره حتی در رابطه با دقیق‌ترین قواعد و هنجارهای حقوقی نیز نقش کنشگرانه دولت - به عنوان بازیگر اصلی روابط بین‌المللی - چنان است که می‌تواند تحول اساسی در بافت و ساختار قواعد و هنجارها را متناسب با منافع ملی کلید بزند. از این رو، گاه آنچه را که حقوق نمی‌پسندد، در قاموس امنیت کشورها به مثابه امری اولویت دار و یا الزامات حیاتی در می‌آید که ممکن است خود در عین حال، سازنده رویه‌ای جدید برای تولد قاعده‌ای جدید و بدیع نیز باشد. حقوقدانان باید درک نمایند که عملاً شرایطی بر جامعه بین‌المللی حاکم است که گاه تأمین منافع ملی از مجاری و طرقی که حقوق توصیه نکرده است، محقق می‌شود.

با ملاحظه نکات فوق، می‌توان جنبه‌هایی از توافقنامه ژنو را مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار داد با این تأکید و تصریح که در نگاه حقوقی، کیستی افراد و وابستگی آن‌ها به محافل و کانون‌های مختلف یا نوع خط‌مشی کارگزاران مدیریت و اجرا در حوزه روابط خارجی، محلی از اعراب ندارد. بلکه دیپلماسی هسته‌ای در دست و بنا به ابتکار هر شخص که باشد، نهایتاً به نام کشور خواهد بود و در عرصه بین‌المللی نیز به نام ایران قلمداد خواهد شد. از سوی دیگر، تحلیل حقوقی به معنای پرداخت همه‌جانبه به یک پدیده نیست و هرچند خوشبختانه موضوعی، مصداق‌محور و فارغ از معادله جانبداری - خصوصیت است، اما تنها یک زوایه نگریستن به یک پدیده چندبعدی است و از این رو، در صورتی می‌تواند مناط اعتبار برای تشخیص سازگاری با منابع ملی باشد که در کنار دیگر زوایای تحلیلی و به عنوان جزئی از یک سامانه کلی مدنظر قرار گیرد. به واقع، صرفاً با تحلیل حقوقی بین‌المللی یا داخلی - به عنوان رهیافتی با سطح تحلیل خرد - نمی‌توان به استنتاج کلان از دیپلماسی هسته‌ای کشور و محصول مستقیم آن

یعنی توافقنامه ژنو دست یافت.

۱- توصیف مؤلفه‌های اساسی توافقنامه ژنو

یکی از مهم‌ترین بخش‌های توافقنامه ژنو از حیث تعیین مسیر کلی، هدف کلان و اصول حرکت طرفین در قالب سند مذکور، مقدمه توافقنامه است که در عین جنبه‌های ماهیتی، واجد جنبه ساختاری نیز هست.

الف) هدف نهایی مذاکرات ژنو ۳

غایت مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در ژنو که منتهی به توافقنامه ۲۴ نوامبر گردید، از مقدمات این توافقنامه دور نماینده بلکه متمرکز بر احراز ماهیت برنامه هسته‌ای ایران اعلام گردیده است. از همین روست که مقدمه سند ژنو با این عبارت آغاز می‌شود که:

«هدف این مذاکرات رسیدن به یک راه حل جامع مورد توافق و بلند مدت است به نحوی که تضمین کند برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز خواهد بود. ایران اینکه تحت هیچ شرایطی به دنبال دستیابی یا گسترش سلاح هسته‌ای نیست را مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد.»

البته در زمینه ماهیت برنامه هسته‌ای کشورمان، محتوای این سند تنها به عنوان بخشی از اقدامات بین‌المللی به شمار می‌رود. بخش مهم دیگری از همین اقدامات، پیش از این توسط آژانس در قالب توافقنامه تهران مورخ ۱۱ نوامبر به امضای ایران-آژانس رسیده است.

ب) مراحل سه‌گانه راه حل جامع

این سند سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی را به عنوان مراحل سه‌گانه راه حل جامعی تلقی کرده است که به احراز هدف غایی فوق منجر می‌شود. از این روست که سند نوامبر، هرچند جزئیات گام نخست را مقرر نموده اما در خصوص مراحل بعدی، نقش یک سند مادر را بازی می‌کند.

«راه حل جامع مذکور مبتنی بر این اقدامات اولیه بوده و به یک گام نهایی منجر خواهد شد که دوره زمانی آن مورد توافق قرار گرفته و به رفع نگرانی‌ها می‌انجامد». بر این اساس، ایران ضمن پذیرش اصل نگرانی‌های غرب، مهیای رفع آن‌ها در قالب اقدامی شده است که در این گام‌های سه‌گانه تعیین و معرفی گردیده است، هرچند نحوه ورود به این عرصه، نه بر اساس تعهدات حقوقی بین‌المللی مستقیم، بلکه بر پایه

اصل معامله متقابل و اقدام داوطلبانه گام به گام بوده است.

ج) اوصاف راه حل جامع

با اینکه این روزها تمرکز اصلی تحلیلگران کشور بر گام نخست توافقنامه حاضر است اما درک گام نخست تنها در صورت اشراف بر راه حل جامع به عنوان یک بسته به هم پیوسته میسر است. از این رو، با تأملی بر اوصاف این راه حل جامع یا سه مرحله‌ای، که قصد خاتمه دادن به تنش در روابط ایران و غرب حول محور انرژی هسته‌ای را دارد، می‌توان جزئیات محتوایی سند و چشم‌انداز آن را به درستی مورد توجه و ارزیابی قرار داد.

توافق بودن ابعاد غنی‌سازی: این راه حل جامع متضمن یک برنامه غنی‌سازی با تعریف مشترک و محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف ساز به منظور تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای می‌باشد.

قاعده همه یا هیچ: این راه حل جامع به مثابه یک مجموعه منسجم خواهد بود که هیچ بخشی از آن مورد توافق قرار نمی‌گیرد مگر آنکه در مورد تمامی بخش‌های آن توافق حاصل شود.

متقابل و گام به گام: این راه حل جامع شامل یک فرایند متقابل و قدم به قدم می‌باشد و به رفع همه جانبه تمامی تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.

اجرای انتخابی قطعنامه‌ها: هرچند هیچ اشاره‌ای در توافقنامه ژنو به رابطه آن با اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت نشده است، اما تعلیق یا توقف برخی فعالیت‌های هسته‌ای کشور از جمله در رابطه با عدم ساخت تأسیسات جدید غنی‌سازی و توقف رآکتور اراک، رابطه مشخصی با اجرای برخی از بندهای قطعنامه‌های شورا از جمله بند ۶ قطعنامه ۱۹۲۹ سال ۲۰۱۰ دارد. البته این توافقنامه، عملاً به معنای مشروعیت توافق دولت‌های مربوط به منظور ایجاد ترتیباتی خارج از قطعنامه‌ها بلکه مغایر با الزامات آن اما با هدف تحقق مبانی و مقاصد مورد نظر شورا می‌باشد. در این زمینه، تصویب قطعنامه بعدی نیز در تأیید این اقدامات موخر و متفاوت (در گام میانی)، مورد تأکید طرفین قرار گرفته است.

متناسب و هم وزن: با اینکه اوصاف فوق در سند به صورت صریح بیان شده‌اند، اما لزوم متناسب و هم وزن بودن الزامات طرفین، که جزئی مهم از راهبردهای اعلامی

دیپلماسی هسته‌ای پیش از این نشست‌ها بوده است، در سند تبیین و تأکید نشده‌اند. گویی تضمین این امر، امری عملیاتی بوده و نیازمند تصریح به عنوان اصول حاکم بر تدوین محتوای توافقنامه و تنظیم الزامات در هر یک از مراحل سه‌گانه راه حل جامع به نظر نرسیده است.

د) پیگیری گام‌ها و کمیسیون نظارت

این سند، نخستین ابتکار ایران و گروه ۱+۵ در زمینه ایجاد سازوکارهای پیگیری امور مورد توافق هسته‌ای است. در این زمینه، آژانس تنها مسئولیت‌های فنی و تخصصی خود را در رابطه با راستی‌آزمایی‌ها انجام خواهد داد و اطلاعاتی که ایران باید ارائه دهد را مورد بررسی قرار خواهد داد. بنابراین، کارکرد آژانس اساساً ناظر بر پایش رفتار ایران خواهد بود و نه سایر دولت‌های طرف این توافقنامه. از این رو، کمیسیون مذکور هرچند متشکل از خود دولت‌های گروه ۱+۵ است اما به معنای نظارت‌پذیری عملکرد این دولت‌ها در قبال ایفای الزامات و تعهدات خود خواهد بود. البته تفاوت بارز دو ساختار نظارتی مذکور این است که آژانس، مرجعی خارج از اختیار ایران است که عملکرد ایران را بر اساس مجموعه‌ای از تدابیر موضوعه مورد نظارت قرار می‌دهد. اما کمیسیون نظارت، متشکل از نمایندگان هفت کشور مرتبط با این توافقنامه است که بر رفتار یکدیگر و با آیین کار مصوب خود، نظارت خواهند نمود.

در هر حال، در خارج از امور فنی و راستی‌آزمایی‌ها که در صلاحیت تخصصی و حرفه‌ای آژانس است، در سایر امور مربوط به توافقنامه اعم از الزامات ایجابی ایران و الزامات سلبی امریکا، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ توسط کمیسیون نظارت و پیگیری متشکل از هفت دولت تدوین‌کننده این سند، بررسی و نظارت خواهند شد. ضمن اینکه این کمیسیون، ناگزیر از تعامل با آژانس در ارتباط با امور فنی مندرج در این سند خواهد بود. با این حال، توافق ژنو علاوه بر تعامل عادی کمیسیون با آژانس در حدود محتوای الزامات ایران، به تعامل در فراسوی آن نیز پرداخته است. بررسی ماهیت برنامه هسته‌ای «گذشته و حال» ایران، مقوله‌ای است که در قالب توافقنامه تهران و از سوی آژانس در دست اقدام است.

ه) جایگاه مسائل نظامی در گام میانی

در این خصوص، توافقنامه در همان مقدمه سند تصریح دارد که «در فاصله میان گام‌های اولیه و گام آخر، گام‌های دیگری از جمله پرداختن به قطعنامه‌های شورای

امنیت با هدف پایان رضایت بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت...»

آنچه در رابطه با متدولوژی توافق ژنو برجسته به نظر می‌رسد، توافق روشن در خصوص گام نخست و لحاظ الزاماتی با آستانه بالا برای ایران و حتی غرب در مقایسه با سایر گام‌های دیگر است. محتوای گام سوم - بر اساس صراحت سند چهار صفحه‌ای توافقنامه ژنو و در مقایسه با محورهای گام اول، به جز مسأله تصویب و اجرای پروتکل الحاقی که ممکن است هم وزن با لغو کامل تحریم‌های ایران (اعم از تحریم‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و امریکا در رابطه با بخش‌های مختلف هسته‌ای، مالی، صنعتی و همچنین نظامی کشور) باشد، چندان وزنی ندارند. اما نکته مهم‌تر، ابهامات راجع به گام‌های میانی است. بنا به توافق طرفین، محتوای این گام یا گام‌ها را طرفین از طریق کمیسیون مشترک پیگیری و تعیین خواهند کرد. به عنوان گزینه‌ای از محتوای این مرحله، «پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت» مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است. در این رابطه، چند نکته مهم قابل توجه به نظر می‌رسد:

مسأله نخست، نفس «ورود به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران» از حیث تأثیر آن بر موضع ثبات کشورمان دائر بر نامشروع بودن آنهاست. البته که تحقق خواسته اصلی ملت و نظام این بوده و هست که باید تحریم‌های مذکور به صورت کامل برداشته شود و وضعیت به حالت سابق بر آن اعاده گردد. اما در کنار این خواسته و مطالبه ملی، یک موضع ملی نیز دائر بر نامشروع بودن قطعنامه‌های مذکور وجود داشته است.

در این رابطه، اسناد متعددی توسط نهادهای مختلف به ویژه دستگاه دیپلماسی و ارکان آن در مرکز و خارج از کشور تدوین شده و به مجامع بین‌المللی منعکس شده و حتی برخی نیز به عنوان اسناد رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ثبت رسیده است. البته در برخی از اظهارات جدید، موضع مذکور به «تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه» تعدیل شده است اما به هر حال، مبنای حقوقی دقیق این مواضع در هر حد که باشد، عدم مشروعیت حقوقی آنها هم به لحاظ نقض قواعد ماهوی حقوق بین‌الملل و هم قواعد و آیین‌های شکلی است. به نظر می‌رسد برداشت ملی در این رابطه، از مبانی و مستندات حقوقی بین‌المللی فراوانی برخوردار است و بخشی از دکترین حقوقی بین‌المللی جدید نیز به همین سمت تمایل داشته است که از حق ایران در برابر قطعنامه‌های نامشروع شورای امنیت (و حتی عدم مشروعیت ارجاع ابتدایی

مسأله هسته‌ای به آن شورا و امنیتی کردن یک مسأله فنی انرژی هسته‌ای) حمایت نماید.

در این رابطه، پرسش این است که آیا ایران با این عبارت توافقنامه مذکور، از موضع خود کوتاه آمده و رویکرد خود را تغییر داده است یا خیر. وزیر امور خارجه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی این زمینه بیان داشته که به عقیده وی، «در مقابل امتیازاتی که گرفته‌ایم پذیرفته‌ایم که از این پس به قطعنامه‌ها پردازیم. اما این به آن معنا نیست که قطعنامه‌ها را پذیرفته‌ایم».

مسأله دیگر این است که داده-ستانده در گام میانی چه خواهد بود؟ ما چه نوع امتیازهایی را در این گام دنبال خواهیم کرد و در مقابل، از چه عرصه‌ای و چه نوعی امتیازی را به طرف‌های مقابل خواهیم داد؟ در این زمینه، تا کنون اظهارنظر و قرینه روشنی به دست نیامده است. زیرا عمدتاً طرفین توان و توجه خود را به گام‌های اولیه معطوف و متمرکز نموده‌اند. اما روشن است که ورود به قطعنامه‌های شورای امنیت باید ورود هسته‌ای باشد و نه موشکی.

در واقع، تحریم‌های شورای امنیت بر بخش نظامی و محدودیت‌های ماهوی وضع شده بر برنامه موشکی کشورمان، امری فرعی و نشأت گرفته از نگاه غیرواقعی غرب به ارتباط آن با فعالیت‌های هسته‌ای است و از این رو، با حل شدن ابهامات راجع به فعالیت‌های هسته‌ای و شفاف‌سازی‌ها در این زمینه، این امر فرعی و حاشیه‌ای نیز باید به صورت خودبه‌خود و کامل برطرف گردد و پذیرش هرگونه محدودیت در این زمینه، غیرقابل قبول است.

(و) دستاورد نهایی راه حل جامع برای ایران

مقدمه سند، خروجی نهایی اجرای کامل آن و تحقق هدف از ایجاد این راه حل جامع را نیز مشخص کرده که در کنار دستاوردهای جزئی مربوط به گام‌های اولیه و میانی، تحقق می‌پذیرد. بر این اساس، «این راه حل جامع، ایران را قادر می‌سازد تا به‌طور کامل از حقوق خود در بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بر اساس مواد مرتبط در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و با رعایت تعهدات خود بر طبق معاهده از آن برخوردار شود.»

معنای مخالف عبارت مذکور از منظر حقوقی این است که ایران در حال حاضر و مادامی که ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود را اثبات نکرده است، نمی‌تواند از

حقوق خود «به صورت کامل» بهره‌مند شود. جمله آخر سند نیز همین استنتاج را با زبانی دیگر تکرار کرده است که بر اساس آن، تنها پس از اجرای این سند است که ایران خواهد توانست همانند سایر اعضای ان.پی.تی، از حقوق خود بر توسعه هسته‌ای صلح‌آمیز بهره‌مند شود. البته یک پاسخ حقوقی به این استنباط هم می‌تواند این باشد که حقوق ناشی از ان.پی.تی، حقوقی جمعی است و توافق خارجی نمی‌تواند این حقوق برگرفته از یک معاهده جهانشمول یا حقوق ذاتی تایید شده در آن را تعدیل یا مشروط نموده و یا در مرحله استیفا، با تاخیر همراه نماید.

رفع تحریم‌های شورای امنیت و سایر تحریم‌ها، از جمله الزاماتی است که باید به منظور بهره‌مندی کامل ایران از حقوق هسته‌ای خود به عمل آید. در همین زمینه، در میان اصول حاکم بر تدوین جزئیات گام نهایی مقرر شده که رفع این تحریم‌ها باید در گام مذکور محقق شود. در واقع، تحریم‌ها که به عنوان یکی از موانع اجرای حقوق ایران از جمله حق توسعه صلح‌آمیز هستند، باید قبل از خاتمه اجرای گام آخر توافقنامه ژنو، به صورت کامل و جامع رفع شده باشند. با این حال، باید توجه داشت که ادبیات به کار رفته در توافقنامه ژنو در این زمینه، «برداشتن سانکسیون‌ها» است و نه لغو همه قطعنامه‌های شورای امنیت (از جمله قطعنامه‌های غیرتحریمی). گفتنی است که سابقه این گونه اقدامات از سوی شورا از جمله در خصوص عراق، «اقدام بر اساس فصل هفتم منشور به منظور خاتمه اجرای تدابیر اتخاذی» علیه آن کشور بوده است (بند سوم قطعنامه ۲۱۰۷ مورخ ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳).

۲- توصیف داده- ستانده در گام‌های مقرر در توافقنامه

به دلیل جهت‌گیری‌های غیرحقوقی دخیل در فضای تحلیل محتوای موافقتنامه ژنو، در این بخش از نوشتار حاضر صرفاً به توصیف سند خواهیم پرداخت. البته ظاهر توصیف زیر که برگرفته از چیدمان داده- ستانده‌ها در خود توافقنامه است، عمدتاً جنبه کمی دارد و البته که تعداد داده‌ها یا ستانده‌ها نمی‌تواند به تنهایی ملاکی برای ارزیابی مثبت یا منفی این سند باشد. ارزیابی مذکور علاوه بر اینکه نیازمند شناخت محیط تدوین آن - شرایط بین‌المللی حضور ایران و دیگر طرفین در ژنو به هدف تدوین موافقتنامه‌ای در این زمینه - است، نیازمند مقایسه کیفی نوع و ماهیت الزامات در برابر امتیازها یا حق‌های کسب شده است. علی‌ای حال، این امر را به خواننده محترم سپرده، با التزام به یادآوری نص و عدم اجتهاد در رابطه با بیان نوع الزامات و امتیازهای مبادله شده - که با

ایده‌های سیاسی و غیرحقوقی خلط می‌شود - در توصیف محتوای آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

بررسی مقایسه‌ای الزامات و امتیازات صریح ایران و گروه ۵+۱ در گام اول

تعهدات مشترک	تعهدات گروه ۶	امتیاز/حقوق ایران	الزامات ایران
اقدام با حسن نیت به منظور حفظ فضای سازنده در مذاکرات	توقف تلاش برای کاهش خرید نفت خام ایران در حد فعلی	ادامه برنامه تحقیق و توسعه (حتی تحقیق و توسعه غنی‌سازی) غیر از برنامه‌های معطوف به انباشت اورانیوم غنی شده	تبدیل نیمی از موجودی اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد به صورت اکسید ۲۰ درصد برای تولید سوخت راکتور تحقیقاتی تهران؛
نهایی کردن و اجرای قدم‌های مورد توافق میان-مدت و راه حل جامع با حسن نیت	بازگشت مبالغ مشخص از عواید فروش نفت ایران در خارج از کشور	ادامه غنی‌سازی تا ۵ درصد	تبدیل نیمی از موجودی مانده اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد به کمتر از ۵ درصد به صورت برگشت ناپذیر
تشکیل کمیسیون مشترک نظارت بر اجرای اقدامات میان مدت و بررسی مسائلی که ممکن است پدید آیند، و همکاری با آژانس در زمینه‌های راستی آزمایی اقدامات مربوط	تعلیق تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا بر بیمه و خدمات حمل و نقل نفتی	استفاده از اکسید ۲۰ درصد و سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران	توقف غنی‌سازی بیش از ۵ درصد
	تعلیق تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا بر	استفاده از موجودی مواد غنی شده تا ۵	عدم گسترش فعالیت در تأسیسات سوخت

	صادرات پتروشیمی ایران و نیز تعلیق تحریم خدمات مرتبط	درصد به صورت اکسید	هسته‌ای نطنز، فوردو و یا راکتور اراک
	تعلیق تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا بر طلا و فلزات گرانبها، و تعلیق تحریم خدمات مرتبط		تبدیل اورانیوم غنی شده ۵ درصد آتی به اکسید
	تعلیق تحریم‌های امریکا بر صنعت خودرو و تعلیق تحریم‌های خدمات مرتبط		عدم ایجاد محل‌های جدید برای غنی‌سازی
	صدور گواهی عرضه و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایران و خدمات مرتبط. صدور گواهی بازرسی‌های مرتبط با ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط		عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیسات قادر به بازفرآوری
	عدم صدور قطعنامه‌های جدید تحریم هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد		ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (شامل اطلاعات طرح‌های تأسیسات هسته‌ای، توصیف ساختمان‌ها در هر یک از سایت‌های هسته‌ای، توصیف سطح عملیاتی که در هر یک از اماکن که به فعالیت‌های هسته‌ای مشخص اشتغال دارند، معادن و تخلیص و منابع اولیه).
	عدم صدور قطعنامه‌های		ارائه پرسشنامه جدید

	جدید تحریم هسته ای از سوی اتحادیه اروپا		فنی راکتور اراک به آژانس
در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره	عدم وضع تحریم‌های جدید از سوی امریکا		اتخاذ گام‌های لازم برای موافقت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در انعقاد "رهیافت پادمان" راکتور اراک
	ایجاد یک مجرای مالی به منظور تسهیل تجارت امور انساندوستانه برای تأمین نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران در خارج از کشور		فراهم کردن دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فردو و نظنز با هدف بررسی فایل‌های ضبط شده دوربین‌ها
			دسترسی هدایت شده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ؛ کارگاه‌های تولید روتور سانتریفیوژ و محل‌های نگهداری، و معادن اورانیوم و تخلیص اورانیوم

جزئیات الزام ایران به عدم گسترش فعالیت در تأسیسات نظنز، فردو و راکتور اراک (گام اول)

الزامات تفصیلی	الزام کلی
عدم تزریق گاز یو.اف.۶ به سانتریفیوژهای نصب شده نظنز	عدم گسترش فعالیت در تأسیسات سوخت هسته‌ای نظنز
عدم نصب سسس جدید به جز جایگزینی با همان نوع در نظنز	
عدم غنی‌سازی بیش از ۵ درصد در چهار آبشار فعال فردو	عدم گسترش فعالیت در تأسیسات سوخت هسته‌ای فردو
عدم افزایش ظرفین غنی‌سازی در سایت فردو	
عدم تزریق گاز یو.اف.۶ به ۱۲ آبشار دیگر فردو و ادامه وضعیت غیرعملیاتی آنها	

عدم تزریق سوخت به راکتور اراک	عدم گسترش فعالیت در راکتور اراک
عدم انتقال آب سنگین به سایت راکتور اراک	
عدم آزمایش سوخت جدید برای راکتور اراک	
عدم تولید سوخت بیشتر برای راکتور اراک	
عدم نصب تجهیزات اصلی راکتور اراک	

بررسی مقایسه‌ای الزامات و امتیازات ایران و گروه ۵+۱ در گام نهایی

تعهدات مشترک	تعهدات گروه ۶	حقوق ایران	تعهدات ایران
نهایی سازی و اجرای گام نهایی راه حل جامع ظرف حداکثر یک سال بعد از ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳	--	لغو همه تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و امریکا	رفع کامل نگرانی مربوط به راکتور اراک
تدوین برنامه زمانی مربوط به راه حل جامع		برخورداری از حق توسعه صلح آمیز هسته‌ای همانند سایر اعضای معاهده	عدم بازفراوری و ساخت تأسیسات مربوط به آن
تدوین محتوای راه حل برنامه جامع		برنامه غنی‌سازی توافق شده (دامنه، سطح، ظرفیت، محل و ذخایر)	اجرای کامل اقدامات شفاف ساز مورد توافق
			تصویب و اجرای پروتکل الحاقی
			همکاری بین‌المللی هسته‌ای غیرنظامی (دستیابی به راکتورهای مدرن آب سبک و...) و تحقیق و توسعه مورد توافق

۳- ارزیابی ماهیت حقوقی توافقنامه ژنو

بی‌تردید، توافق ژنو و متن حاصل از آن که این روزها توافقنامه ژنو نام گرفته است، با مفاهیم، اصول و مصادیق معاهدات حقوقی بین‌المللی فاصله‌ای زیاد دارند. در دوران معاصر، به ویژه در خصوص موضوعات مهم بین‌المللی که دولت‌های مربوط در پی

همساز کردن تمایلات خود و تحقق منافع مشترک بدون تشریفات طولانی و فارغ از ادبیات حساس معاهدات هستند، به توافق سیاسی و تدوین اسنادی که بازتاب این توافق باشد، روی می‌آورند. سند «برنامه اقدام مشترک» ژنو مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ نیز نمادی بارز از جزئیات این توافق‌هاست که در زمره اسناد سیاسی بین‌المللی یا اسناد الزام‌آور سیاسی تلقی می‌شوند. تدوین این‌گونه اسناد که دارای بسترها و همچنین قدرت تضمین اجرای سیاسی قوی هستند، مسیر و راهی میان‌بر برای حصول همان اهدافی محسوب می‌گردند که در شرایط عادی، عمدتاً در قالب معاهدات بین‌المللی دو یا چندجانبه تعقیب می‌شوند. اینکه دولت‌ها طرفین این توافق هستند یا اینکه توافق کتبی است و در رابطه با مساله‌ای است که جنبه‌های ویژه‌ای در حقوق هسته‌ای دارد، نمی‌تواند موجب اشتباه در تمیز آن از معاهدات حقوقی بین‌المللی شود. معیار مهم، اعمال حقوق بین‌الملل بر توافق مذکور است. در این زمینه، طرفین هیچ‌گاه رضایت خود را ابراز نداشته‌اند که حقوق بین‌الملل (و نه منافع و مصالح مشترک در یک بازی برد-برد) بر آن حکام باشد. از همین روست که در کمترین جایی از توافق فوق می‌توان ادبیات حقوقی را مشاهده کرد؛ نه در عنوان و نه در مفاد و حتی نه در تنظیم بندهای آن. بلکه به عکس، طرفین صراحتاً اعلام کرده‌اند که سند مذکور یک معاهده حقوقی نمی‌باشد. به واقع، این توافق سیاسی به عنوان حد واسطی سیاسی است که بین حقوق معاهده‌ای و عام (توسعه صلح‌آمیز) و تعهدات حقوق خاص (قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت) قرار گرفته است تا مانع و حاجب اخیر را از مسیر استیفای (و شاید نه تمتع) حقوق هسته‌ای ایران بردارد.

از این رو، نبود ماهیت حقوقی مستقل و الزام‌آوری حقوقی برای این‌گونه اسناد را نباید به معنای نبود قدرت اجرایی یا الزام‌آوری آن‌ها در صحنه روابط و جامعه بین‌المللی توصیف و تفسیر نمود. بلکه به عکس، اگر شکایت و پیگیری امر در محاکمه‌ای بین‌المللی به اطلاع رسیدگی‌ها و فرایندی نه چندان سریع از احقاق حق منجر می‌شود، پیگیری‌های سریع و فوری و دخیل بودن منافع عالی امنیتی دولت‌ها، موجب می‌شود پشته‌های اجرای این‌گونه اسناد و توافق‌ها حتی بیشتر از معاهدات حقوقی نیز منزلت یافته و جلوه گر شوند.

به تعبیر دیگر، سند ژنو هرچند یک معاهده بین‌المللی نیست اما به معنای فقدان جنبه‌ها بلکه پیامدها و آثار حقوقی آن نخواهد بود. فارغ از اینکه خاستگاه این سند را باید بند ۳۳ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت دانست، برخی مفاهیم مندرج در مقدمه و

همچنین عناصر اساسی گام آخر متن مذکور (از جمله شرایط بهره‌مندی کشور از حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای مقرر در ماده ۴ ان.پی.تی.)، دقیقاً مرتبط با مبانی و اصول حقوق هسته‌ای می‌باشد. در نهایت، این سند سیاسی چندجانبه محدود، دارای ابعاد و پیامدهای حقوقی بین‌المللی (به عنوان نمادی از رویه دولت‌ها و جایگاه این مفهوم در منابع حقوق بین‌الملل) است.

۴- آیا حق غنی‌سازی ایران نیازمند شناسایی است؟

نکته مهم درک استقرار نظام بین‌المللی بر اصالت حق و استثنای تعهد برای دولت‌هاست. این همان چیزی است که رئیس‌جمهور نیز در اعلام دستاوردهای یک‌صد روزه دولت خود بیان داشت. وی با استناد به حاکمیت محور بودن تأکید کرد که اولاً ان.پی.تی. مبناست. ثانیاً تفسیر این سند باید توسط حقوقدانان صورت پذیرد و ثالثاً تفسیر حقوقی باید در پرتو این زمینه کلان نظام حقوقی بین‌المللی انجام شود که «آنچه منع نشده است، مجاز است.» بی‌تردید، تفسیر مذکور دارای خاستگاه حقوقی بین‌المللی عمیق بوده و حتی حقوقدانان بزرگ غربی نظیر لوترپاخت که نظریه حقوقی غرب عمدتاً متأثر از دیدگاه‌های اوست، این امر را مورد تأکیدهای فراوان قرار داده است. بر این اساس، برای اثبات وجود حق توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای از جمله غنی‌سازی، باید وجود مقررات مغایر با آن در ان.پی.تی. را اثبات کرد. از این‌رو، وجود حق نیازمند اثبات نیست.

با این حال، شایسته بود که همین نکته بنیادین حقوقی در طرز کار منتهی به توافق ژنو نیز مدنظر قرار می‌گرفت. مادامی که حق اصالت داشته و نیازمند اثبات نباشد، مطرح کردن لزوم «شناسایی» حق غنی‌سازی ایران توسط گروه ۵+۱ منزلت و توجیه حقوقی نخواهد داشت. در این زمینه می‌بایست، «رعایت» حق غنی‌سازی ایران به عنوان خط قرمز کشور مطرح می‌شد و نه «شناسایی» حق مذکور. این مسأله که بعدها در نقطه نظرات مقامات حوزه روابط خارجی اصلاح شد، در سطح مذاکرات ژنو با عبارت لزوم «شناسایی حق غنی‌سازی ایران» به عنوان خط قرمز ملی و تصریح آن در توافق ژنو بیان گردید.

۵- رویکرد توافقنامه ژنو درباره حق غنی‌سازی

سند برنامه اقدام مشترک (یا توافقنامه هسته‌ای) ژنو هرچند اشاره‌ای به حق غنی‌سازی

ایران نکرده بلکه اساساً از وجود این حق در وضعیت کنونی و تا قبل از خاتمه اجرای راه حل جامع (یعنی حل شدن همه نگرانی‌های آنها) سر باز زده است اما در خصوص ادامه برنامه غنی‌سازی کشورمان، به سه دوره اشاره کرده است:

الف) دوره غنی‌سازی حداقلی

این دوره، امکان غنی‌سازی اورانیوم تا ۵ درصد در دوره اجرای گام اول یعنی شش ماه با احتمال تمديد آن برای مدتی معین است.

در این دوره، ایران بنا به مصلحت و به منظور جلب همکاری غرب و ایجاد شرایطی که لازمه تعامل تلقی شده است، حاضر شده در برابر تعلیق فشارهای جدید و فروکاستن برخی از تحریم‌ها به وضعیت سابق، سطح پیشرفته برنامه غنی‌سازی خود را آن هم به مدتی معین، متوقف نماید. اما توقف در این مرحله که ماهیت زمان‌بندی شده دارد، به معنای امکان عدم قابلیت تعمیم خودبه‌خود آن در فراتر از مدت مذکور است.

ب) دوره غنی‌سازی توافقی

غنی‌سازی توافقی، در دوره اتخاذ گام‌های میانی تا اتمام مرحله نهایی توافق جامع جاری خواهد بود. در این دوره به ویژه گام آخر که آغاز آن احتمالاً از ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ (یعنی یکسال از زمان انعقاد سند برنامه اقدام مشترک ژنو) خواهد بود، برنامه غنی‌سازی ایران دارای اوصاف زیر خواهد بود:

اولاً، انتهای زمانی برنامه غنی‌سازی ایران، نامشخص ولی تابع انتهای مهلتی است که با توافق طرفین برای گام نهایی تعیین خواهد شد؛ بر اساس آنچه در توافقنامه ژنو به عنوان اصول راهنمای تعیین جزئیات گام آخر مقرر شده است، این دوره، از نظر زمانی مقطعی «بلندمدت» خواهد بود که مدت آن مورد توافق قرار خواهد گرفت.

بنابراین، با خاتمه مهلت گام آخر، برنامه غنی‌سازی کشورمان از محدودیت‌های این دوره خارج خواهد شد و وارد فاز عام‌الشمول خواهد شد.

ثانیاً، نوع غنی‌سازی، مبهم و نامشخص بوده اما توسط طرفین مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرد؛ از همین روست که در عبارتهای مرتبط با غنی‌سازی، از «غنی‌سازی اورانیوم» نامی به میان نیامده و مفهوم مذکور به صورت مطلق بیان گردیده است.

ثالثاً، کارکرد برنامه غنی‌سازی ایران، بر اساس نیازهای عملی ایران با مواد هسته‌ای غنی شده تعیین خواهد شد؛ این امر به معنای آن است که یک اصل کلی بر هرگونه مذاکره راجع به برنامه غنی‌سازی کشورمان و جنبه‌های فنی آن حاکم خواهد بود؛

رابعاً، همه ابعاد برنامه غنی‌سازی ایران از جمله سطح، ابعاد و محل، قابل مذاکره بوده و پس از توافق طرفین تعیین خواهند شد. خامساً، اینکه سطح غنی‌سازی ممکن است بالاتر یا پایین‌تر از سطح دوره نخست باشد، معلوم نیست. با این حال، مقامات حوزه رواب خارجی کشور از ارتقای وضعیت حداقلی مرحله نخست سخن گفته‌اند. البته رئیس سازمان انرژی اتمی، حتی غنی‌سازی صد درصد را نیز حق کشور شمرده است. مهم‌ترین ویژگی کنش طرفین در رابطه با برنامه غنی‌سازی در این مرحله، تأثیرپذیری آن از مذاکرات و توافق طرفین است. حاکمیت مذاکره و توافق جمعی در رابطه با برنامه غنی‌سازی، بر داد-ستد بودن آن برنامه دلالت دارد و این امر، چیزی غیر از حق نامیدن برنامه مذکور است. اینکه طرفین تنها با مذاکره و رعایت اصل نیازهای عملی ایران، چنین برنامه‌ای را مجاز نمایند، مقوله‌ای خارج از ماهیت حق‌محور برنامه مذکور است. اگر غنی‌سازی یک عنوان یک حق باشد، نه تنها در مورد تصریح آن در میان اصول کلان این توافق، نباید ملاحظه، تردید یا تکذیبی در میان باشد بلکه الزاماً تصریح خواهد شد که محدودیت‌های ناشی از توافق طرفین، امری موقتی بوده و بر اصل حق ذاتی تأثیر سلبی نخواهد داشت.

ج) دوره غنی‌سازی عادی

غنی‌سازی عادی و به دور از محدودیت‌های ناشی از توافقنامه جامع (بلکه با رعایت موازین عام بین‌المللی در حوزه حقوق هسته‌ای) پس از اتمام دوره اجرای راه حل جامع خواهد بود. در این دوره، برنامه غنی‌سازی ایران همانند سایر دولت‌های غیرهسته‌ای عضو ان.پی.تی. خواهد بود. مفهوم مخالف جمله چهارم مقدمه توافقنامه ژنو این است که در این دوره که نامحدود و دائمی است، ایران از «حقوق خود بر انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، به صورت کامل برخوردار خواهد شد.»

بنابراین، پس از خاتمه دوره احتیاطی مقرر در گام‌های اول، میانی و نهایی توافق جامع ژنو، برنامه غنی‌سازی کشورمان از همه نظر و همچنین سایر ابعاد و مراحل مرتبط با تولید و توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، از محدودیت‌هایی که در توافق ژنو مقرر شده است، خارج خواهد شد. در این دوره، برنامه غنی‌سازی کشورمان تنها بر اساس محدودیت‌ها و شرایطی ادامه خواهد یافت که در مقررات حقوق انرژی هسته‌ای در

رابطه با همه دولت‌های غیرهسته‌ای عضو ان.پی.تی. مقرر شده است.

۶- مواضع جدید شورای امنیت ملی امریکا علیه حق غنی‌سازی ایران

کاخ سفید هم قبل از برگزاری نشست ژنو ۳ (با نگاهی کلان) بلکه چند دقیقه بعد از اعلام توافق ژنو، حق ایران دائر بر غنی‌سازی را به صراحت تمام انکار نمود. سند رسمی مورخ ۲۳ نوامبر دولت اوپاما نیز همین موضع را اختیار کرد. اما بازهم این روند ادامه یافت تا اینکه شورای امنیت ملی امریکا نیز در ۳ دسامبر ۲۰۱۳، نه تنها مواضع قبلی امریکا دائر بر عدم شناسایی حق غنی‌سازی کشورمان را مورد پافشاری قرار داد بلکه این برداشت از توافق ژنو را ارائه داد که همچنان این کشور در صدد محدودسازی غنی‌سازی ایران حتی پس از اجرای کامل توافقنامه ژنو است.

سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا با تفسیر توافقنامه ژنو اظهار داشته که «ایالات متحده حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت نمی‌شناسد ولی حاضر است طی شش ماه آینده بر سر یک برنامه غنی‌سازی به شدت محدود با ایران وارد مذاکره شود. به گفته این شورا، امریکا حتی در وضعیت نهایی و پس از اتمام راه حل جامع نیز «فقط حاضر است غنی‌سازی بسیار ملایم ایران را قبول کند».

چالش‌سازی امریکا برای نظام حقوقی تأمین و توزیع بین‌المللی انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، در پرتو بازتفسیر ان.پی.تی. و همچنین تحمیل دیدگاه‌های جدید انفرادی از این معاهده جلوه گر شده است. در مقابل، برجسته شدن حقایق حقوق و تعهدات دولت‌ها در این عرصه و برون رفت از چالش‌های مذکور نیز نیازمند تفسیر صحیح موازین معاهده مذکور در پرتو اصول و هنجارهای بنیادینی است که فارغ از جعل و نهاده‌های خودساخته یا تحمیلی، بازتابی از ارزش‌های مشترک و جمعی جامعه بین‌المللی ملت‌ها باشد؛ همان جامعه‌ای که مسیر تعریف بایدها و نبایدهای رفتاری بازیگران بین‌المللی را بر پایه کرامت و نگرانی‌های مرتبط با سرنوشت بشریت نظم و نظام بخشیده است.

بنابراین، در رابطه با برداشت‌های جدید دولت امریکا نیز با بازشناسی حقایق می‌توان تفسیرهای ناصواب و جهت دار را از ادراک عام‌الشمول، عمومی و غیرجانبدارانه تمییز دارد. در این صورت، محرز خواهد شد که امریکا با این گونه تفسیرها در پی تأمین منافع خود است: ارتقای ارزش‌گذاری و تأثیر امتیازات متعدد اخذ شده از طرف ایرانی از یک سو و تقلیل بار و اهمیت معدود امتیازات اعطایی به ایران.

مسأله مقدماتی، مناسبت‌های زمانی و مصداقی ارائه این گونه تفسیرهای به ظاهر عام اما متمرکز بر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران است. مسأله مهم این است که اولاً این موضع‌گیری جدید دولت امریکا - فارغ از اینکه چه خاستگاهی داشته و تا چه میزان با مصرف داخلی یا خارجی ارائه گردیده و نهایتاً چقدر متأثر از نیروهای گریز از مرکز قدرت در ساختار سیاسی و امنیتی امریکا اتخاذ شده باشد - ماهیت حقوقی غنی‌سازی ایران (غنی‌سازی به مثابه یک حق ذاتی مقرر در ماده ۴ ان.پی.تی.) را نشانه رفته است. ثانیاً این موضع به دلیل انکار اصل حق بر غنی‌سازی به منظور صلح‌آمیز، با مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی.) مغایرت تام و آشکار دارد. ثالثاً حتی توافقنامه ژنو نیز امکان چنین تفسیر ساختگی از سوی امریکا برای سلب قابلیت‌های غنی‌سازی مؤثر و اثرگذار از سوی ایران پس از اثبات ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای گذشته و حال را نداده است.

جمع‌بندی

پس از تلاش‌های پنهان و آشکار، نهایتاً دیپلماسی دو جانبه و چندجانبه به حصول تفاهم و توافق ژنو در ابعاد کلی و برخی محورهای جزئی حل و فصل قطعی مسأله هسته‌ای کشورمان منتهی شد. در نگاهی عملیاتی، اغلب مردم به دستاوردهای این توافق (تعلیق برخی تحریم‌ها در گام نخست، امید به فراهم شدن مقدمات لغو کامل تحریم‌ها در گام میانی و امید به تحقق لغو تحریم‌ها در گام نهایی و بهره‌مندی کامل و عادی از حقوق هسته‌ای همانند دیگر دولت‌ها پس از خاتمه گام آخر) به عنوان توفیق دیپلماسی به عنوان ابزار کار مؤثر در گفتمان غالب دنیای امروز می‌نگرند. ارزیابی علل، مبانی، فرایند، طرز کار و نهایتاً دستاوردهای این توافق، نیازمند نگاه راهبردی و به ویژه درک مسأله هسته‌ای به عنوان یکی از اجزای کلان منظومه امنیت ملی است. علی‌ای حال، از منظر حقوقی - که رهیافتی خرد مشتمل بر تحلیل محتوای توافق ژنو و نتایج و برایندها و نهایتاً فرایند مربوط به افق تحقق مفاد آن است - حفظ تفاهم و پرهیز از تنش‌های موجود عدم اجرای الزامات متقابل حائز اهمیت است. در این میان، امریکا تلاش‌هایی را که ممکن است ترجمان تنوع و تعارض افکار در سطح نهادهای راهبردی این کشور در قبال اصل توافق با ایران باشد، برضد اجرای متوازن این الزامات به عمل آورده است. امریکا مواضع خود را نه در مقام تفسیر ان.پی.تی. بلکه در راستای تفسیر مجدد توافقنامه ژنو - محدودسازی امتیازهای ایران و افزایش الزامات آن - ارائه کرده است.

پرسش مهم این است که امریکا با این تفسیرهای فاقد پیشینه و سابقه در رویه بین‌المللی، چه هدفی را دنبال می‌کند؟

راهبرد امریکا که بلافاصله پس از اعلام توافق ژنو تعقیب شده است، افزایش تعهدات و الزامات ایران از طریق رهیافت تفسیر (تفسیر موسع الزامات ایران) است. در واقع، امریکا در پی آن است که شرایطی را ایجاد نماید که در قالب آن، طرف ایرانی را مجبور کند که بین قبول شرایط تحمیلی جدید از طریق تفسیر شرایط داده-ستانده‌های طرفین در توافق مذکور و برهم زدن آن، یکی را برگزیند و گزینه‌ای دیگر در پیش رو نداشته باشد.

با مطالعه نوع مطالبات امریکا در هر یک از مراحل سه‌گانه توافقنامه ژنو، واضح است که این کشور نقطه اصلی فشار بر ایران در این سیر سه مرحله‌ای اقدامات متقابل را گام اول قرار داده است در حالی که طرف ایرانی اصل خواسته خود را در گام نهایی تعقیب می‌کند. امریکایی‌ها که در وضعیت فعلی یعنی دوره اجرای گام نخست، زمینه‌های تحقق اهداف خود را فراهم شده می‌دانند، در پی آن هستند که در روند تحقق خواسته نهایی ایران یعنی گام آخر (لغو کامل تحریم‌ها و بهره‌مند شدن کامل از حقوق خود بر انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز به نحو مقرر در آن. پی. تی.) مانع تراشی کنند. از همین روست که سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا با تفسیر اخیر، تلاش نموده تا تصور تمتع کامل از حق غنی‌سازی بعد از انجام گام آخر را تعدیل نموده و مرحله غنی‌سازی مفید را همچنان در این دوره نیز اجرا نماید. در واقع، معنای تفسیر جدید امریکا عملاً این است که ایران به صورت دائمی و برای همیشه، حتی در صورت اجرای موفق گام آخر توافق جامع نیز نتواند برنامه غنی‌سازی خود را همانند سایر دولت‌های عضو معاهده انجام بدهد بلکه همچنان برای تعیین حدود و ثغور آن، به میز مذاکره با غرب وابسته باشد. مذاکره‌ای بودن در این فضا، به معنای لزوم دادن امتیازهای بیشتر خواهد بود.

بدون شک، این رویکرد که امتیازدهی به غرب را حتی پس از اثبات ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای کشورمان به شرح این توافقنامه نیز استمرار می‌بخشد، امری غیرقابل قبول و مصداقی از مواضع زیاده‌خواهانه است که ایران هرگز در برابر آن تمکین نخواهد کرد. در هر حال، به نظر می‌رسد که امریکا با این گونه تفسیرهای خوشساخته و خارج از توافق جمعی، به روند اجرای توافق مذکور صدمه جدی خواهد زد و شاید هم درصدد ایجاد شرایطی است که طرف ایرانی را به سمت نارضایتی، اختلاف و نهایتاً به هم زدن توافق سوق دهد.

Legal Aspects of the Geneva Joint Plan of Action 2013

Nader SAED (Ph.D.)

Director of Academia Department, Islamic World Peace Forum

The Joint Plan of Action agreed in Geneva on November 24, 2013, between the P5+1 nations and Iran (JPA or “Iran and 5+1 Nuclear Agreement” or “Deal”) is a politically binding instrument but with important legal indirect implications on legal rights and duties of the parties in international nuclear law. Whereas the inapplicability of the Security Council Resolutions on Iran’s nuclear issue, a decade crisis directed the relevant parties to partially restrict and implement the SC regulatory and punitive provisions, terminate (unlawful) sanctions (multilateral and unilateral) and also resolve some misunderstandings on Iran nuclear program. These developments opened a window to revise past safeguards problems within the IAEA and the UN. At a practical viewpoint, this agreement is a state practice, a concept related to international law sources in the ICJ Statute, Art. 38. This practice substantiated the sufficient degree of participation on the part of states whose interests are likely be most affected. This paper analyzes the JPA in light of international legal order especially international nuclear law and UN law.

Keywords: Geneva Nuclear Agreement, Iran, 5+1, Right to Enrichment, Suspension of Enrichment, Sanctions, NPT.

Journal of **LEGAL RESEARCH**

VOL. XII, No. 2

2013-2

- Arbitration and the Peaceful Settlement of International Disputes
Seyed Jamal SEIFI
- Legal Aspects of the Geneva Joint Plan of Action 2013
Nader SAED
- Violation of the World Trade Organization's Agreements
Mojtaba MOROVVAT
- The Attitude toward Justice and Justifice-orientd Concepts
from viewpoint of Foundations of International Law
Akbar ADIBI
- Breaching Human Rights in Bahrain
Mehrdad MOHAMMADI
- Explaining the Export and Transfer of Pollution in International law
Seyed Hadi PAZHOUAN
- Liability of Carrier toward Goods under International Conventions
Mehrasa MOHEBI
- Introduction to the Online Library of SDIL
Elham Sadate ALVANKAR



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study